

گفت‌وگو با بهداد بابایی به انگیزه هشتمین سال درگذشت پرویز مشکاتیان

هنر خود را آلوده نکرد

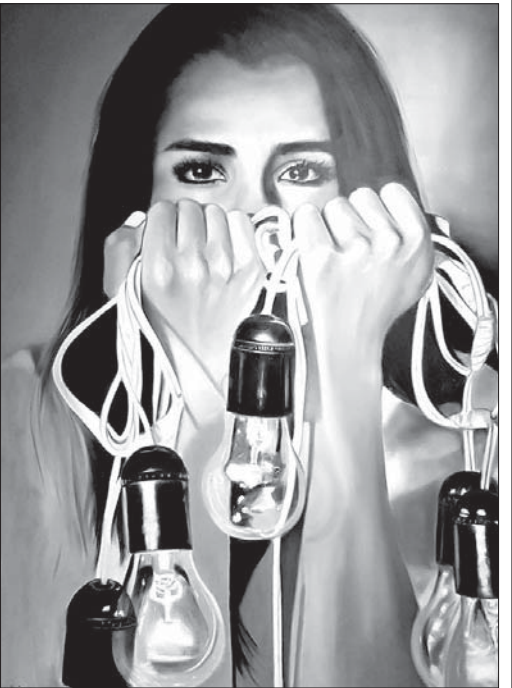
سیمین سلیمانی: مه‌رمه سال ۱۳۸۸ پیکر سرو آزاد ایران به زادگاهش نیشابور بازگشت. در سوگ او هم‌شهریانش سازهایشان را کفن پوشاندند. ۳۰ شه‌ریوماه مصادف با درگذشت موسیقی‌دان برجسته ایران پرویز مشکاتیان بود؛ او که مضرباش آزادی‌بخش بود و برای هیچ کسی فرود نیامد و با پروازش «خران» در «کوچه باغ‌های نیشابور» جاودان شد. او که بر «بیداد» خران نیز ص‌وری کرد و «سرو آزاد» ماند.

به بهانه سالروز درگذشت او با به‌دداد بابایی گفت‌وگویی کردیم که در ادامه خواهد آمد. به‌دداد بابایی از مشکاتیان می‌گوید؛ از اینکه مضرباش آزادانه نواخته می‌شد و ابتدا ساز دلش بعد ساز دستش را کوک می‌کرد.

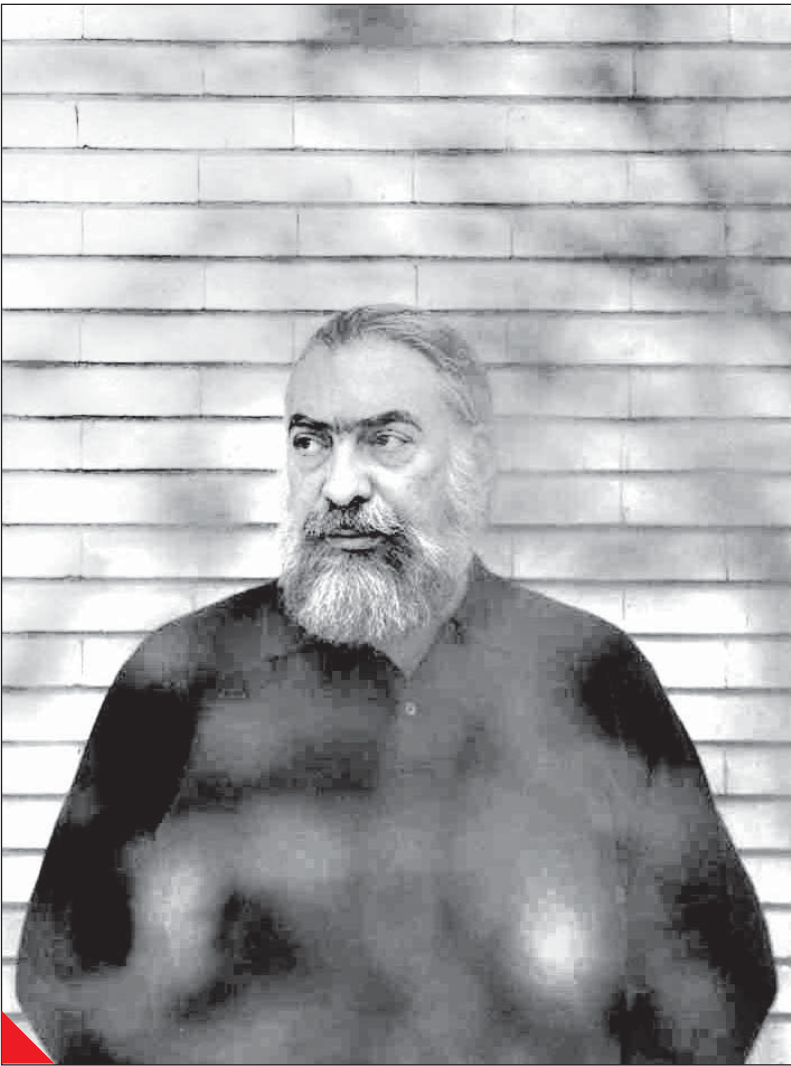
بابایی به «شرق» می‌گوید: سعادت برخورداری از نعمت ارتباط نسبی با استاد مشکاتیان مرا در مواجهه مستقیم با موسیقی جدی ایرانی قرار داد و به این وادی کشاند. به تشویق ایشان از هفت‌سالگی آموختن نوازندگی سه‌تار را در محضرشان آغاز کردم و این تلمذ تا پایان عمر پربار ایشان همچنان ادامه یافت؛ البته آموخته‌های بنده از استاد محصور و منحصر به موسیقی نبود، بلکه در کنار آموزه‌های موسیقایی، اشرف‌اف و اشتیاق ایشان به شعر و ادبیات این سرزمین در شکل‌گیری ذهنیت ادبی من مؤثر بود تا جایی که رشته تحصیلی دانشگاهی خود را نیز زبان و ادبیات فارسی برگزیدم و اقبال من به شعر و ادبیات در گرو همشینی با اوست و نیز از منش، رفتارها و شیوه زیست او به اندازه بضاعتم درس‌ها گرفتم.

از او درباره همکاری‌اش با گروه عارف می‌پرسم، می‌گوید: حدود سال‌های ۶۹ – ۷۰ مشکاتیان از من خواست که به عضویت در گروه عارف بپیوندم. اعضای گروه عارف از دوستان خوب بنده بوده و هستند. استاد بر این پیشنهاد فشاری کردند ولی من در آن زمان درگیر پرداختن به کارهای خود بودم تا اینکه سال ۷۳ ایشان به من تکلیف کردند که به گروه بپیوندم و از آن تاریخ به عنوان تک‌نواز به عضویت گروه عارف در آمدم. طی این همکاری در اجراهای متعدد در داخل و خارج از کشور حضور داشتم. در ضبط و ثبت چندین کاست و سی‌دی با این گروه

حمید فرید: در میان شاعران معاصر، همیشه ه.ا.سایه (انتهاج) برابم بزرگ و ستودنی بوده است. در این بین تلاش سایه در شکل‌دهی و انسجام‌بخشی به موسیقی جدی و هنری ایران حائز اهمیت است و اگر سایه را از تاریخ معاصر موسیقی ایران حذف کنیم، این داستان شکلی دیگری به خود می‌گیرد. اگر سایه در سال‌های ابتدایی دهه ۵۰ بخش موسیقی رادیو را برعهده نمی‌گرفت و به‌عنوان مدیری آگاه و از همه مهم‌تر دلسوز و آشنا به ظرایف کار، مدیریت و نظارتی کارآمد را بر رفتار هنری و اجتماعی هنرمندانی؛ مانند لطفی، شجریان، علیرزاده، مشکاتیان، شکارچی و… اعمال نمی‌کرد، به قطع و یقین ما محصولات‌ی مانند گل‌های ایرانی و آثار درخشان گروه چا‌ووش و البته این درخت پربار و جدی موسیقی هنری را در چننه تاریخ موسیقی ایران نداشتیم. او مردی بود که افق‌گشایی می‌کرد تا دیگران خود را به ساحل سلامت هنری و فرهنگی برسانند. در دنیای مجازی امروز که دست‌رسی به فایلی تصویری با صوتی با یک جست‌وجوی ساده امکان‌پذیر است، به قسمتی از مستند «چهارفصل» درخصوص زندگی هنری استاد محمدرضا لطفی رسیدیم که در آن انتهاج تعریفی متفاوتی از کاست «مشق داند- ابوعطا» کرد و برابم جالب بود، «بعضی از تیکه‌های آواز شجریان شاهکاره، من فکر می‌کنم ا‌ک حافظ بود یا می‌شد؛ غرق بوسه می‌کرد شجریان رو. اونجایی که مفلسانیم و…» کسانی که کتاب «پیر پرنیان اندیش- در صحبت سایه» را مطالعه کرده باشند، با احوالات سایه بیشتر آشنایی دارند و می‌دانند سایه در تعریف از کسی اغراق نمی‌کند و خیلی بی‌پیرایه و به‌دور از هر نوع سیاسی حرف می‌زند.



موسیقی و تجسمی



عکس: رضا معطریان

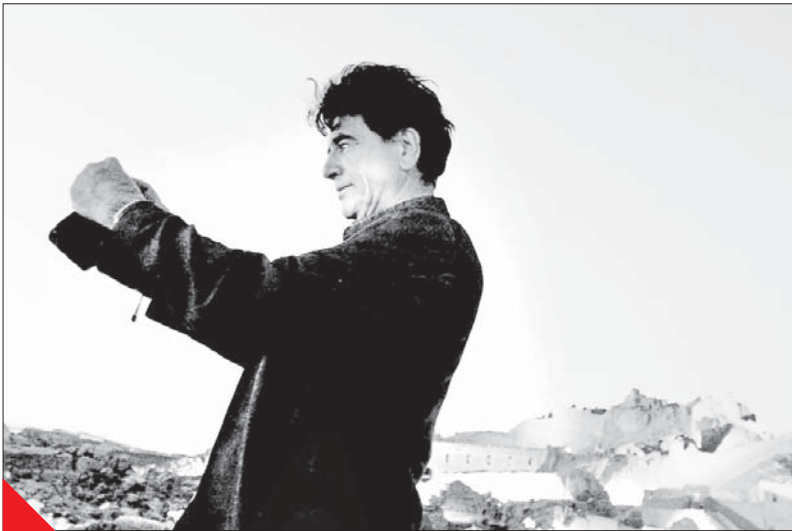
ذهن و ضمیر علاقه‌مندان برقرار و ماندگار نمود. جمله مشهور ایشان که خود نیز در برخی مصاحبه‌هایشان به آن اشاره کرده‌اند و به شاگردان و همراهان یادآوری می‌کردند، آن بود که «اول ساز دل‌هایتان و سپس ساز دست‌هایتان را کوک کنید؛ عاشقانه به کار هنر پیرازید و در برون‌دادهای هنری‌تان جدای از درست‌گفتن، راست بگویید؛ دوست بدارید تا دوستان بدانند.»

زندگی قلندروار و زیست عاشقانه مشکاتیان و مناعت طبع و آزادیگی او نوعی وارستگی به بخشیده

بود که او را ممتاز می‌کرد. به سیاق ناصرخسرو هنرمند متعالی خویش را در پای هیچ مسندنی نریخت و در زندگی پربارش، هنر ارزنده خود را از شائبه آلا‌یش قربایت با اربابان قدرت و ثروت یکسره برکنار می‌داشت و جز در برابر هنر سر خم نمی‌کرد و دغدغه ویژه‌اش عرضه موسیقی فاخری بود که دوست و دشمن به ارجمندی آن معتزفتند. او در آثار و دل‌های شیفتگانش زنده و جاودان است چراکه «هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق» .

به مناسبت سالروز تولد استاد محمدرضا شجریان

قوت روح



عکس: میلاد پهلوی

وجهی که بیشتر اشعار انتخابی در بداهه‌خوانی‌هایش را باید یکتا دانست، اوج هنر و معرفت موسیقی ایرانی می‌بینم هنرمند زمانی به مرتبه والایی از هنر می‌رسد که هنرش به زعم لسان‌الغیب مقبول طبع صاحب‌نظران می‌افتد. یکی از رازهای مانایی شجریان، مناس‌خوانی وی در بیشتر آلبوم‌ها و اجراهایش و ارتباط محتوایی با شعر و حال‌وهوای آن است، رابطه بین وزن‌های عروضی و تناسب آنها با گوشه‌ها که به شیوه‌های مختلف مطرح کرده است. در هر شعری یک موسیقی وجود دارد. خواننده‌ای مثل شجریان کاشف موسیقی شعر است به

نگاهی به نمایشگاه «بازگشته» در گالری ایوان

نورها را دنبال کن

نشانی از خود لامپ‌ها دیده نمی‌شود.

علاوه بر نقاشی‌ها، اثر دیگری در این مجموعه هست که مخاطب را در شکل‌گیری خود سهیم می‌کند. صفحه سیاهی روی دیوار قرار گرفته که لامپی داخل آن قرار دارد و کنار کلید آن نوشته شده: «روشن کنید». حال انتخاب با بیننده است که تصمیم بگیرد کلید برق را بفشارد یا نه. در طبقه زیرین گالری هم چیدمانی دیده می‌شود که بار دیگر ارتباط میان انسان، نور و لامپ‌ها را نمایش می‌دهد. رسه‌های لامپ در مرکز سالن مانند پرده‌ای مقابل مخاطب قرار گرفته و تعدادی از لامپ‌های آن روشن هستند تا نور ملایمی در فضا ایجاد کنند. در پشت این پرده نورانی ویدئویی دیده می‌شود که چش‌می را در حال پل‌زدن و نگاه‌کردن به مقابل نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد همان‌طور که مخاطب در حال نگاه‌کردن به نقاط نورانی است، این چشم هم به نور لامپ‌ها نگاه می‌کند.

مجموعه «بازگشته» نشان‌دهنده دیدگاه علایی‌نا به زندگی انسان در دنیای معاصر و نحوه برخورد او با چالش‌ها و موانع زندگی است. آن‌طور که در این آثار دیده می‌شود، در تیرگی و تنهایی انسان کورسویی امیدی هم هست؛ کورسویی که دنبال‌کردنش می‌تواند بار دیگر او را به زندگی بازگرداند.

موسیقی و تجسمی

چیدمان

کشاورزان پنبه‌کار مازندران در یک گالری

گروه هنر: برنده نخستین جایزه هنر معاصر ویستا که به ایده هنری برتر تعلق می‌گیرد، این روز‌ها ایده اجراشده خود را در گالری ویستا به تماشا گذاشته است. «پنبه خلال»، عنوان کنجکاوی‌برانگیز این نمایشگاه است که سال گذشته محمدرضا عرب‌خرائلی با ارائه ایده آن در میان ۱۵۰ ایده و طرح رسیده، برنده جایزه ۳۰ میلیون‌تومانی شد. اثر او به کشاورزان پنبه‌کار مازندرانی اشاره دارد؛ ویدئو و چیدمانی که با رویکردی نوستالژیک، ابعاد اجتماعی و جامعه‌شناختی این زراعت رو به نابودی را بررسی می‌کند و مخاطب را به تأمل وامی‌دارد.

درواقع هنر این بار با بازسازی صحنه‌های زیبای یک زراعت و الفتی که روستاییان با یک محصول کشاورزی نرم و لطیف و سیید برقرار می‌کنند، درباره حذف آن هشدار می‌دهد و از تبعات آن می‌گوید.

محمدرضا عرب‌خرائلی، درباره «پنبه خلال» گفت: «پنبه در ایده‌ای که سال گذشته به جایزه ویستا پیشنهاد دادم، نقش تعیین‌کننده‌ای داشت به‌همین جهت مجبور شدم در زمان برداشت این محصول کار را اجرا کنم و برهمین‌اساس، ایده هنری من در ۲۴ شه‌ریورماه در گالری ویستا به اجرا درآمد.»

او ادامه داد: «برداشت پنبه از اوایل شه‌ریورماه آغاز می‌شود و باید به دور از رطوبت نگه داشته شود بنابراین اجرای پروژه در فصلی به‌جز شه‌ریورماه در گالری کار بسیار سختی است.»

این هنرمند در پاسخ به این سؤال که تا چه حد شکل اجرایی با ایده اولیه که در جایزه ویستا ارائه داد متفاوت است، بیان کرد: «به‌طور حتم همیشه شکل نهایی اجرا با ایده اولیه تفاوت دارد، اجرای صد درصد ایده‌ای که در ذهن است عملاً امکان‌پذیر نیست و وابسته به متغیرهای شرایط بیرونی است.»

عرب‌خرائلی ادامه داد: «تجربه دوباره رویتدای که زمانی در کودکی تجربه کرده‌ام آن‌هم در محیط گالری با فاصله زمانی ۲۰ساله برایم بسیار دلنشین بود زیرا فضایی که در آن این اتفاق تکرار می‌شد دیگر روستا نبود به همین خاطر این تفاوت شکل جذابی برایم داشت.»

عرب‌خرائلی درباره نحوه اجرای ایده خود بیان کرد: «من دوست داشتم در قالب هنر بتوانم بخشی از مسائلی که مطرح کردم را برجسته کنم و البته کنش‌ی که اجرای این چیدمان برای من دارد و تجربه‌هایی که در این مسیرکسب می‌کنم، هم خودبه‌خود جذاب است.»

نمایشگاه چیدمان و ویدئو محمدرضا عرب‌خرائلی تا ۱۱ مهر در گالری ویستا به نشانی خیابان مطهری (تخت‌طاووس) خیابان میرعماد، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۱ ادامه دارد.

چهارشنبه ۵ مهر ۱۳۹۶

مکعب سفید

یادداشتی برنمایشگاه سروژ بارسقیان*

قابی که می‌رقصد

نازنین رحیمی

فضایی از رنگ و خط و نقش و حرکت و رقص در قاب‌های یک نقاش…

در باب ستایش ارزش‌های هنری این تابلوها از من دریایی به موج نمی‌آید…، چراکه من درباره تکنیک و فرم نقاشی، بضاعت کافی ندارم.

اما آنچه می‌دانم این است که نقاش و نقش و حرکت در این نمایشگاه، بیننده را به وجد می‌آورد و در دورانی که از هر خبر به خبری دیگر پناه می‌گیریم و ما را دردی بس است، نیاز به این حرکات موزون خط و رنگ بسیار است…

آنچه من در این یادداشت می‌خواهم به خواندن و شنیدن دعوت کنم، گزین‌گویی کوتاه از خط به خط به رنگ و تصویر و پرسپکتیو درآوردن فضاهای ساده‌ای است که می‌شود نوع دیگر نگاه کرد.

شاید همان سخن مدرن است.

سروژ بارسقیان به‌دور از تمام دردهایی که جهان امروز برای ما ساخته است، با قلمی به یکتا شادی و ش‌یرینی را در لحظات ساده‌ای مثل اسب و زنبق و درخت به تصویر کشیده است.

ولادیمیر ناباکوف هنر را دریقی بر ازدست‌رفتن زیبایی می‌دانست. انگار از هر تابلو به تابلویی دیگر، دریغ و آه رنگین نقاش را می‌بینیم که به ما می‌گوید: اینجا را نگاه کن!

به قول سعدی، از سر حسرت به قفا می‌نگرد…

به نظرم تابلوها، اثری نوستالژیک است در زمانه جنگ و خون…، دلتنگی نقاش است برای رنگ و رقص و شادی… که این حس نوستالژیک درست است که جنبه عاطفی دارد، ولی خرد مدرن با آن آمیخته شده که با گذشت زمان و تجربه اصیل و پیچیده نقاش به دست آمده است.

حسرت‌ها دردآورد؛ به‌ویژه حسرت صلح و آشتی و رنگ و شادی، هرچند که نقاش ما به زیبایی حسرتش را به رقصی رنگین درآورده و ما را در دنیای خود سهیم کرده است.

◀ نمایشگاه سروژ بارسقیان تا ۱۱ مهر در گالری آتین دایر است.

تحریر

گفت‌وگوی سنت‌های خوش‌نویسی

در کتابخانه ملی سافرانسیسکو

گروه هنر: ۸۰ اثر خوش‌نویسی از چهار گوشه جهان در چهارمین نمایشگاه «گفت‌وگوی سنت‌های خوش‌نویسی» در کتابخانه ملی سافرانسیسکو روی دیوار رفت.

افتتاحیه نمایشگاه بین‌المللی «گفت‌وگوی سنت‌های خوش‌نویسی» عصر یکشنبه، ۱۷ سپتامبر، در کتابخانه ملی سافرانسیسکو، برگزار شد. در این نمایشگاه که به مدت یک ماه ادامه خواهد داشت، ۸۰ اثر خوش‌نویسی از چهار گوشه جهان به تماشا گذاشته شده‌اند. در افتتاحیه این نمایشگاه آرش ش‌یرین‌باب، خوش‌نویس و مدیر هنری نمایشگاه، درباره فلسفه برگزاری نمایشگاه، پیشینه آن و جزئیات نمایشگاه ۲۰۱۷ صحبت کرد. در ادامه دو نفر از استادان خوش‌نویسی، ریک پائولوس (از آمریکا) و کریستین کابوی (فیلیپین)، به ارائه توضیحاتی در زمینه خوش‌نویسی فرهنگ خود، شامل خوش‌نویسی غربی بر اساس خط رومسی و لاتین و خوش‌نویسی ازبادرفته فیلیپین پرداختند. سپس جلسه بحث و گفت‌وگو میان این سه هنرمند برگزار شد که با استقبال حضار و سؤال و جواب ایشان خاتمه یافت.

در بخش دوم افتتاحیه که در گالری اسکای‌لایت کتابخانه ملی سافرانسیسکو برگزار شد، ش‌یرین‌باب، تور هنری نمایشگاه را برگزار کرد و علاوه بر ایراد توضیحاتی در مورد آثار، از هنرمندان خوش‌نویسان حاضر در جمع درخواست کرد تا هر یک در مورد آثار خود در نمایشگاه صحبت کنند. آثار این نمایشگاه در زمینه‌های مختلف؛ از خوش‌نویسی سنتی ملل مختلف تا کارهای هنری مدرنی که نوشتن و خط در آن به کار گرفته شده را شامل می‌شود. حتی مجسمه‌ها یا سرامیک‌هایی که از خوش‌نویسی و خط در آنها استفاده شده هم در این نمایشگاه به تماشا گذاشته شده‌اند.

به گفته مدیر هنری نمایشگاه، تاکنون سابقه نداشته نمایشگاهی در این زمینه برگزار شود که بتوان در آن تمامی سنن خوش‌نویسی در اقصی نقاط عالم را به تماشا گذاشت.

او هدف از برگزاری این نمایشگاه را گفت‌وگوی هنرمندان از ملل مختلف، به‌خصوص ملل مسلمان، از طریق زبان هنر دانست و افزود: در منطقه کالیفرنیا هستند مؤسسات و نهادهایی که هدفشان حمایت از هنرهای سنتی در سراسر جهان است و برای این کار حمایت‌های جانبی نیز انجام می‌دهند تا هنرمندان از قومیت‌ها و نژادهای مختلف فرصت عرضه کارشان را داشته باشند و این‌گونه تنوع فرهنگی در منطقه کالیفرنیا بروز و ظهور پیدا می‌کند و شاید یکی از رموز تساهل و تسامحی که نسبت به مردمان مختلف از قومیت‌های گوناگون در این ایالت وجود دارد همین قدرت پذیرشی است که آنها نسبت به فرهنگ‌های دیگر دارند و این پذیرش فرهنگی ناشی از همین گفت‌وگوهای مداوم و مستمری است که در زمینه‌های فرهنگی و هنری مختلف در این ایالت رخ می‌دهد.



عکس: امیربهنام بهرام‌آفر